

## مبانی جبران پذیری خسارات تبعی ناشی از نقض پیش از موعد قرارداد

مجتبی زمانی\*، جعفر عسگری\*\*

### چکیده

در مواردی که یکی از طرفین قرارداد به هر دلیل نمی‌خواهد یا نمی‌تواند در موعد مقرر به تعهداتش عمل نماید طرف دیگر با یک نقض پیش از موعد یا غیرقابل پیش‌بینی مواجه است. نقض پیش از موعد قرارداد باعث ورود خسارات اصلی و تبعی به طرف مقابل است. خسارات قراردادی غالباً از نقض واقعی قرارداد نشئت می‌گیرند. با این حال نقض پیش از موعد نیز می‌تواند منجر به پیدایش خسارت اصلی و تبعی گردد. برخی از زیان‌های قراردادی به‌طور مستقیم و بلاواسطه از نقض عهد نشئت نمی‌گیرند اما به‌طور معمول در سیر طبیعی و متعارف امور ناشی از نقض عهد هستند. با وجود این، امکان جبران این‌گونه خسارات در حقوق ایران با مشکل اساسی مواجه است. مهم‌ترین مانع برای جبران چنین زیان‌هایی احتمالی بودن و عدم رابطه سببیت عرفی بین زیان وارده و فعل زیان‌بار است. این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی و با استناد به اصول و قواعد مسلم فقهی و حقوقی از قبیل لاضرر، مقابله‌به‌مثل، بنای عقلا و حاکمیت اراده در پی امکان‌سنجی جبران‌پذیری خسارات تبعی ناشی از نقض پیش از موعد قرارداد در حقوق ایران است.

**واژگان کلیدی:** خسارت اصلی، خسارت تبعی، نقض واقعی، نقض پیش از موعد، جبران‌پذیری

\* دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران غرب)، تهران، ایران (نویسنده مسنول)  
m.zamani24062@gmail.com

\*\* استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر قدس)، تهران، ایران  
asgarilaw@gmail.com

## مقدمه

تحولات زندگی مدرن باعث گردیده معاملات بشر از شکل ساده و سنتی خود فاصله گرفته و تابع تشریفات خاصی گردد. حتی در فرضی که قرارداد تابع تشریفات خاصی نیست، رعایت و انجام برخی از مقدمات اجتناب‌ناپذیرند. در اغلب موارد متعاملین به جهت رعایت این مقدمات، ناگزیر انجام تعهد اصلی را به یک زمان مشخص در آینده موکول می‌کنند. گاهی اوقات نیز بدون اینکه انجام امور مقدماتی لازم باشد، اراده و تمایل طرفین بر این است که تعهد دارای اجل باشد. لیکن قراردادهای موجد و مدت‌دار همواره در زمان معهود به هدف مقصود نمی‌رسد و بعضاً متعهد پیش از موعد اجرای تعهد صراحتاً اعلام می‌کند که توانایی انجام تعهد را نداشته یا اراده‌ای به ایفای تعهد خویش در زمان معهود ندارد. گاهی نیز با وصف عدم تصریح متعهد، اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد حاکی از آن است که متعهد به‌طور معمول قادر به ایفای تعهد در موعد مقرر نخواهد بود. در نظام حقوقی کامن‌لا<sup>۱</sup> و برخی از مقررات بین‌المللی این اختیار به متعهدله داده شده است تا در چنین مواقعی انجام تعهدات خویش را به حالت تعلیق در آورده یا حسب مورد قرارداد را به صورت یک طرفه فسخ نماید. از این وضعیت در نظام کامن‌لا به «نقض قابل پیش‌بینی»<sup>۲</sup> قرارداد تعبیر می‌شود که تابع احکام و آثار خاص خود می‌باشد (صفایی و عسگری، ۱۳۹۳: ۵).

در نظام حقوقی ایران که ایفای عین تعهد به‌عنوان یک اصل<sup>۳</sup> پذیرفته شده است، متعهدله ناگزیر باید تا هنگام فرارسیدن اجل خویشتن داری نموده و پس از حلول اجل در بدو امر ایفای عین تعهد را از متعهد بخواهد. چنانچه مفاد قرارداد جبران خسارات ناشی از عدم ایفای تعهد را پیش‌بینی نموده باشد متعهدله می‌تواند نسبت به مطالبه آن‌ها نیز اقدام نماید.<sup>۴</sup> حقوق ایران برای انتظار کشیدن متعهدله تا هنگام حلول اجل قراردادی توجیه مناسبی ندارد و مشخص نیست به چه علت متعهدله باید به قراردادی که اجرای آن ناممکن گردیده ملتزم باشد؟ پژوهش‌های متعددی در باب نقض پیش از موعد قرارداد صورت گرفته و پژوهشگران پیشین پس از بررسی قاعده نقض پیش از موعد به این نتیجه دست یافته‌اند که زمینه پذیرش این نظریه در حقوق ایران وجود دارد (صفایی و عسگری، ۱۳۹۴: ۹۸ و ۱۳۹۳: ۵؛ طالب احمدی و کاظمی نجف آبادی: ۱۳۹۴؛ دیلمی، ۱۳۹۶: ۲۷؛ انصاری و بیات، ۱۳۹۱: ۴۷۵؛ امینی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۵؛ ۱۳۹۰: ۳۴۵؛ غفاری فارسانی،

1. Common Law

2. Anticipatory Breach

۳. اصل لزوم قراردادها و عموماتی نظیر اوفوا بالعقود.

۴. این رویکرد در مواد ۲۳۷، ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مدنی انعکاس یافته است.

۱۳۸۸: ۲۳۳؛ کاظمی نجف آبادی، ۱۳۸۸: ۹۵).

به‌رغم بررسی‌های صورت گرفته، یکی از ابهامات موجود، گستره زیان‌های وارده به متعهدله است. بدیهی است متعهدله خواستار جبران کامل خسارات وارده به خویش است. متقابلاً متعهد تمایل دارد صرفاً تعهدات مندرج در قرارداد را جبران نموده و از تقبل هزینه‌های مازاد بر این تعهدات امتناع نماید. یکی از این خسارات «زیان‌های تبعی»<sup>۱</sup> یا «ضررهای متعاقب»<sup>۲</sup> است. به‌طور کلی در حقوق ایران جبران چنین خساراتی معمول نیست. ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی صراحتاً جبران زیان‌های باواسطه را نفی نموده، علت آن نیز فقدان رابطه سببیت عرفی بین ضرر وارده و فعل زیان‌بار است. به همین جهت قوانین موجود ایران برای پوشش زیان‌های تبعی ناکافی به نظر می‌رسند. اما همان‌طور که گفته شد در حقوق کامن‌لا تحت شرایطی حکم به جبران این‌گونه ضررها داده می‌شود. این پژوهش با رویکردی نوگرایانه سعی دارد با بررسی مبانی موجود در فقه و حقوق ایران، جبران‌پذیری «ضررهای تبعی ناشی از نقض پیش از موعد قرارداد»<sup>۳</sup> را امکان‌سنجی نماید. در حقیقت سؤال اساسی این است که آیا فقه و حقوق ایران برای جبران چنین خساراتی پاسخ منطقی و معقول دارد یا اینکه برای حل این مسئله به ناچار باید از حقوق بیگانه کمک گرفت؟ برای پاسخ به این سؤال، ابتدا مفهوم خسارت تبعی و زیان‌های ناشی از نقض پیش از موعد قرارداد تبیین، سپس با کنکاش در فقه و حقوق ایران پاسخی منطقی و مستدل به سؤال مذکور داده خواهد شد.

### ۱. مفهوم خسارات تبعی

در حقوق کامن‌لا خسارت را به دو دسته «اصلی»<sup>۴</sup> و «تبعی یا فرعی»<sup>۵</sup> تقسیم می‌کنند. خسارات اصلی خساراتی هستند که به‌طور مستقیم و بدون واسطه از نقض عهد نشئت می‌گیرند و با پیمان‌شکنی رابطه مستقیم دارند. اما خسارات تبعی که به آن‌ها «خسارت متعاقب» و «خسارت ویژه»<sup>۶</sup> هم گفته می‌شود، خساراتی هستند که به‌طور طبیعی اما با واسطه، از نقض عهد ناشی می‌شوند. زیان‌های فرعی نیز زیان‌هایی هستند که به‌جهت نقض عهد، به متعهدله<sup>۷</sup> تحمیل می‌شوند

1. Consequential Losses
2. Subsequent damages
3. Consequential damages Arising from Anticipatory breach of Contract
4. Essential
5. Incidental

خسارات فرعی خساراتی هستند که متعهدله برای کم کردن خسارات ناشی از عدم اجرای تعهد توسط خوانده متحمل آن شده است. خسارات تبعی و فرعی تفاوت چندانی با هم ندارند و به‌طور کلی در مقابل خسارات اصلی به کار می‌روند (رنجبر، ۱۳۹۵: ۶۶).

6. Special damages
7. Promisee

و متعهدله در هنگام جلوگیری از ورود ضررهای جدیدتر متحمل آن‌ها می‌شود. به‌طور مثال اگر در قرارداد بیع، فروشنده از تحویل کالای فروخته شده خودداری کند و نقض عهد او موجب گردد مواد اولیه گران‌تر شده و به کارخانه خریدار نرسد و در اثر این اقدام فروشنده کارخانه خریدار تعطیل گردد، خسارت ناشی از مطالبه اضافه بهای کالای موضوع قرارداد به‌عنوان خسارت اصلی شناخته می‌شود. اما اگر به علت نرسیدن مواد اولیه به خریدار، کارخانه وی تعطیل شود و سودی را که او به‌طور معمول می‌توانست کسب کند از دست بدهد چنین خسارتی خسارت تبعی خواهد بود. همچنین اگر مواد اولیه معیوبی به متعهدله تحویل داده شود و او ناچار شود آن‌ها را بازگرداند هزینه‌های استرداد، خسارت فرعی خواهد بود (رنجبر ۱۳۹۵: ۶۵ و بادینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۲). معمولاً به‌جهت تفاوت اندکی که بین خسارت تبعی و فرعی وجود دارد این دو زیان در مقابل خسارت اصلی به کار برده می‌شوند. البته اصطلاح «خسارت تبعی» در کامن‌لا متداول‌تر است. به‌طور معمول در کامن‌لا خسارت تبعی در ذیل عنوان «دوری زیان» مورد مطالعه قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است حقوق‌دانان انگلیس در ذیل مبحث دوری زیان از سه دسته خسارت سخن می‌گویند. دسته اول خساراتی هستند که به‌طور طبیعی و مستقیم از نقض عهد ناشی می‌شوند و با عنوان «خسارت مستقیم»<sup>۱</sup> شناخته می‌شوند. دسته دوم خساراتی هستند که رابطه مستقیم و بلاواسطه با فعل زیان‌بار ندارند لیکن ناشی از شرایط خاص بوده و در هنگام انعقاد عقد در محدوده پیش‌بینی متعارف طرفین قرار داشته‌اند. این‌گونه خسارات که قابلیت جبران دارند «خسارت غیرمستقیم یا تبعی»<sup>۲</sup> نامیده می‌شوند.<sup>۳</sup> (Tweeddale A, 2017 March) سایر خسارات در دسته سوم قرار می‌گیرند و به آن‌ها «خسارت دور»<sup>۴</sup> گفته می‌شود. خسارت اخیر به‌جهت دور بودن از منبع زیان قابلیت جبران ندارند.<sup>۵</sup> بنابراین خسارت غیرمستقیم و خسارت تبعی در حقوق انگلستان تقریباً به یک معنا هستند و مصادیق مختلفی از آن‌ها وجود دارد.

1. Direct damage

2. Indirect or Consequential Losses

۳. معیار تشخیص ضرر مستقیم از ضرر غیرمستقیم پرونده هادلی و باکسندیل است (Hadley v. Baxendale). در کامن‌لا به‌طور سنتی بند دوم قاعده هادلی و باکسندیل را معادل ضرر غیرمستقیم یا تبعی می‌دانند. هرچند که اخیراً برخی از محاکم به نحوی اظهار نظر نموده‌اند که این امر را با تردید مواجه نموده است (Coulthard W. & Cifelli R, 2017 September)، اما این قاعده هنوز در انگلستان به قوت خود باقی است.

4. Remote damages

۵. زمان و مکان در تشخیص دوری زیان نقش مهمی ندارد بلکه تشخیص این امر بیشتر وابسته به معیارهای ذهنی است.

به‌عنوان مثال در حقوق انگلیس تحت یک قاعده مهم «زیان‌دیده می‌تواند در برخی شرایط خاص خواستار جبران خسارت اتکایی شود» (راف، ۱۳۹۰: ۲۴۷). بر این مبنا از آنجا که متعاقدین با اتکا و اعتماد به تعهدات قراردادی طرف مقابل مبادرت به امضای قرارداد می‌نمایند، قرارداد باید آنان را تحت حمایت این اعتماد قرار دهد. بدین معنی که در صورت تخلف طرف مقابل، زیان‌دیده در پرتو اتکا و اعتمادی که به ایفای تعهدات طرف مقابل داشته حق دارد تمام خسارات ناشی از نقض تعهد را از او مطالبه کند. زیان اصلی و تبعی ناشی از اتکای اساسی را باید از یکدیگر تفکیک نمود. زیان‌های اصلی زیان‌هایی هستند که تحت اعتماد متعاقدین به دریافت عوض اصلی، به طرف قرارداد تحمیل می‌شود. اتکای تبعی به قرارداد نیز موجب هزینه‌های جنبی است که متعاقدین به امید اجرای قرارداد متحمل شده‌اند (Friedmann, 2001: 16).<sup>۱</sup>

در حقوق ایران اصل اولیه، عدم پرداخت خسارت است و خسارات ناشی از محروم ماندن از منافع محتمل‌الحصول نیز نفی شده است.<sup>۲</sup> از سوی دیگر ضمانت‌اجرای تخلف از انجام تعهدات قراردادی که شامل الزام متعهد، انجام تعهد توسط ثالث به هزینه متعهد و نهایتاً فسخ قرارداد است، اصولاً درباره تعهدات اصلی قرارداد اعمال می‌شود. در مورد تعهدات تبعی نیز تردید در جبران‌پذیری وجود دارد اولاً به جهت مستقیم نبودن زیان‌ها؛ ثانیاً شمول قرارداد نسبت به این ضررها مسلم نیست تا بتوان با استناد به مسئولیت قراردادی متعهد، حکم به جبران ضرر داد. توسل به مسئولیت غیرقراردادی نیز با این مانع اساسی مواجه است که علاوه بر اثبات رابطه سببیت که رکن رکن مسئولیت مدنی است، ضرر باید قطعی<sup>۳</sup> و مستقیم<sup>۴</sup> باشد.

با این حال قانون‌گذار ایران در برخی از مواضع تمایل خود را به جبران چنین خساراتی نشان داده است. به‌عنوان نمونه در بند «د» از ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان آمده است: «هرگاه پیش از اتمام کارهای موضوع پیمانکار فرما بدون آنکه تقصیری متوجه پیمانکار باشد بنا به مصلحت خود یا علل دیگر تصمیم به خاتمه دادن پیمان بگیرد خاتمه پیمان را با تعیین تاریخ آماده کردن کارگاه برای تحویل که نباید بیشتر از ۱۵ روز باشد به پیمانکار ابلاغ می‌کند... اقدامات بعد از خاتمه دادن پیمان به شرح

۱. در پرونده ریچموند ضرر تبعی این گونه تعریف شده است: «در خسارت تبعی ضرر یا آسیب به طور مستقیم و بلافاصله از فعل طرف مقابل ناشی نمی‌شود بلکه ضرر ناشی از پیامدها و نتایج عمل خواننده است.» ( Fulbright )  
(N.R, 2016, 26 September).

۲. تبصره ۲ ماده ۵۱۵ آیین دادرسی مدنی

3. Certain

4. Direct

زیر است...د) در صورتی که پیمانکار به منظور اجرای موضوع پیمان در مقابل اشخاص ثالث تعهداتی کرده است و در اثر خاتمه دادن به پیمان ملزم به پرداخت هزینه و خسارتهایی به آن اشخاص گردد این هزینه‌ها و خسارت‌ها پس از رسیدگی و تأیید کارفرما به حساب بستانکاری پیمانکار منظور می‌گردد». هر چند که تصریح قانونی می‌تواند این خسارات را در ردیف تعهدات اصلی کارفرما قرار دهد لیکن مبنای پرداخت هزینه‌ها و خسارات وارده به پیمانکار که از فسخ قرارداد ناشی شده، اعتمادی است که پیمانکار بر مبنای آن مبادرت به قبول تعهد در مقابل اشخاص ثالث نموده است. بنابراین فلسفه جبران این‌گونه خسارات را باید ناشی از توجه قانون‌گذار ایران به جبران زیان‌های تبعی و تمایل به اجرای اصل جبران کامل خسارات دانست. از طرفی قانون‌گذار ایران در مواد ۲۲۰ و ۲۲۱ قانون مدنی علاوه بر موارد مصرح، متعهد را ملزم به اجرای موارد نتایج عرفی قرارداد دانسته و برای تخلف از این امر خسارت پیش‌بینی نموده است.<sup>۱</sup> بنابراین حقوق ایران نیز با خسارات غیر مصرح قراردادی بیگانه نیست.

## ۲. مفهوم خسارات تبعی ناشی از نقض پیش از موعد قرارداد

در قراردادهای موجه و بلند مدت، قبل از فرارسیدن موعد اجرا، همواره این احتمال وجود دارد که یکی از طرفین یا هر دوی آن‌ها قادر به ایفای تعهدات خویش نباشد (Squillante, 1973: 374). بنابراین ممکن است قبل از فرارسیدن موعد اجرا متعهدله به این نتیجه قطعی برسد که متعهد به‌طور معقول و متعارف در موعد مقرر به تعهد خویش عمل نخواهد کرد (Treitel, 1984: 285; Schlechtriem, 1998: 86). در چنین مواقعی انتظار کشیدن متعهدله برای اجرای تعهد بیهوده است. چه اینکه اوضاع و احوال حاکی از آن است که قرارداد عملاً پیش از موعد خود نقض شده است. این وضعیت «نقض قابل پیش‌بینی»<sup>۲</sup> نام دارد که در مقابل «نقض واقعی»<sup>۳</sup> به کار می‌رود<sup>۴</sup> (Feldhausen, March 2020). منظور از نقض واقعی این است که یکی از طرفین یا هر دوی آن‌ها به تعهدات قراردادی پایبند نباشند و

۱. ماده ۲۲۰ قانون مدنی: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند.»  
ماده ۲۲۱ قانون مدنی: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد.»

2. Anticipatory Breach

3. Actual breach

۴. در حقوق ایران به جای این اصطلاح از عبارات «نقض پیش از موعد»، «نقض احتمالی» و «نقض فرضی» نیز استفاده شده است (صفایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۵۵ به بعد).

در موعد مقرر به تعهدات خویش عمل ننماید. اما نقض پیش از موعد یا نقض قابل‌پیش‌بینی، مربوط به دوره پیش از فرارسیدن اجل تعهد است (Carter, 1991: 216).

حقوق ایران در مواجهه با چنین وضعیتی متأثر از اصل لزوم قراردادها این‌گونه نظر می‌دهد که متعهدله باید تا موعد معهود انتظار بکشد و تنها در آن زمان است که می‌توان به‌طور قاطع نظر داد که قرارداد نقض شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۳۸). اما در برخی از کشورها خصوصاً کشورهای تابع نظام حقوق کامن‌لا با توسل به مبنای غیرممکن شدن،<sup>۱</sup> نقض فعلی،<sup>۲</sup> نقض اجتناب‌ناپذیر،<sup>۳</sup> تهدید به نقض،<sup>۴</sup> شرط ضمنی،<sup>۵</sup> پیش‌شرط ضمنی،<sup>۶</sup> ایجاب و قبول،<sup>۷</sup> مسئولیت مدنی<sup>۸</sup> و سایر مبانی، این فرصت را در اختیار یکی از طرفین قرار می‌دهند تا چنانچه پیش از فرارسیدن موعد اجرای قرارداد موقعیت خود را با خطر نقض در آینده مواجه ببیند، برای برطرف کردن تهدید به وجود آمده و ایجاد اطمینان نسبت به اجرای به موقع قرارداد بتواند حقوق خود را محفوظ بدارد. به عبارت دیگر متعهدله در این صورت می‌تواند به قرارداد پایان داده و از ورود خسارات بیشتر به خود جلوگیری کند (Carter, 1991: 216).

پایان دادن به قرارداد یگانه ضمانت‌اجرای نقض قابل‌پیش‌بینی نیست. مطالعه مقررات بین‌المللی، قوانین و رویه قضایی کشورهای تابع کامن‌لا مانند انگلیس و آمریکا نشان می‌دهد که متعهدله می‌تواند از حق تعلیق قرارداد،<sup>۹</sup> مطالبه تضمین اجرا<sup>۱۰</sup> و مطالبه خسارت نیز به‌عنوان ضمانت‌اجرای نقض قابل‌پیش‌بینی استفاده کند (Honnold, 1999: 426; Feldhausen, March 2020). ممکن است متعهدله با اتکا و اعتماد به قرارداد، معاملات دیگری انجام دهد و در این راستا هزینه‌هایی را متقبل شود (Friedmann, 2001: 16). بدیهی است که هر یک از متعاملین برای انعقاد قرارداد انگیزه و اهدافی دارند و عدم اجرای کامل قرارداد منجر به عقیم ماندن این اهداف می‌شود. بنابراین خساراتی که متعهدله در نتیجه نقض پیش از موعد متحمل آن می‌گردد منحصر به زیان‌های مادی مستقیم نیست بلکه ممکن است او به تبع زیان‌های مستقیم متحمل زیان‌های غیرمستقیم و تبعی گردد که به‌طور معمول در سیر طبیعی و متعارف امور ناشی از نقض عهد طرف مقابل هستند.

1. Impossibility
2. Present Breach
3. Inevitable Breach
4. Threatened Breach
5. Implied Term
6. Implied Conditions Precedent
7. Offer and Acceptance
8. Tort
9. Suspension of Performance
10. Assurance of Performance



خسارات تبعی نتیجه قهری نقض عهدند. بدین معنی که اگر قرارداد به طور کامل اجرا می‌شد این خسارات نیز به وقوع نمی‌پیوست. بنابراین تقصیر خواننده به طور غیر مستقیم در ایجاد زیان‌های تبعی نقش دارد (Siegenthaler & Griffiths, 2003: 447). به نحوی که می‌توان گفت اگر متعهد با رفتار خود موجبات نقض پیش از موعد را فراهم نمی‌آورد، طبیعتاً چنین زیان‌هایی نیز به متعهدله تحمیل نمی‌شدند. در حقوق انگلستان خسارات ناشی از چنین اقدامی را می‌توان بر پایه تئوری نفع اتکاء<sup>۱</sup> مطالبه کرد (stone, 2002: 435). بر اساس این نظریه زیان دیده می‌تواند در پرتو اتکا و اعتمادی که به ایفای تعهدات طرف مقابل داشته تمام خسارات ناشی از نقض تعهد را از او مطالبه کند. این خسارات دارای پوشش کامل است و شامل زیان‌های تبعی نیز می‌گردد. از سوی دیگر همان طور که گفتیم نظریه نقض قابل پیش‌بینی مطالبه خسارات قبل از موعد را توجیه‌پذیر نموده است (Gilbey, 1389: 286; Treitel, 1984: 478). لیکن باید توجه داشت که خسارات یاد شده باید در سیر طبیعی و متعارف امور قابلیت تحقق داشته باشند.

### ۳. موانع جبران‌پذیری خسارات تبعی ناشی از نقض پیش از موعد

در حقوق ایران «مسلم بودن» و «مستقیم بودن» خسارت از شرایط ضرر جبران‌پذیر است. لذا امکان جبران خسارات تبعی ناشی از نقض پیش از موعد در حقوق ایران با محدودیت‌هایی مواجه است و از حقوق بیگانه نیز به سهولت نمی‌توان کمک گرفت. چه اینکه مبانی موجود در حقوق کامن‌لا ولو اینکه به لحاظ ذهنی مطلوب باشند در فقه و حقوق ایران از اقبال کافی برخوردار نیستند. علاوه بر فقدان شرایط ضرر جبران‌پذیر، زیان‌های تبعی از نظر فقهی غالباً محتمل‌الحصول و مشمول عنوان کلی عدم‌النفع هستند (نجفی، ۱۴۳۲/۳۷: ۱۵). با این حال به نظر می‌رسد ایرادات فوق قابل‌رفع هستند و زیان‌های بالقوه‌ای که وقوع آن‌ها در آینده مسلم فرض می‌شود مانعی برای جبران ندارند. در حقوق مسئولیت لازم نیست ضرر حتماً فعلیت داشته باشد. بلکه باید در سیر متعارف امور امکان تحقق داشته باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۹۹). هر جا که امکان وقوع زیان معقول و متعارف باشد، ضرر مسلم فرض می‌شود. به‌عنوان مثال در فرضی که سرپرست خانواده در اثر حادثه تصادف دچار زیان‌های جسمی می‌شود اگرچه فقط صدمات وارده به جسم او ضرر فعلیت یافته است، اما اگر زیان وارده منجر به افزایش هزینه‌های زندگی او در آینده باشد نمی‌توان گفت زیان‌های آینده به علت عدم فعلیت، قابلیت جبران ندارد. زیرا خسارات مذکور عقلاً و عرفاً ناشی از حادثه تصادف است. به عبارت دیگر با اینکه زیان فوق یک زیان مسلم‌الحصول نیست اما زیان



ممکن‌الوصولی است که به‌جهت وقوع حادثه تصادف، به زیان‌دیده تحمیل شده است و باید آن را از زیان محتمل‌الوصول تفکیک کرد. به همین جهت است که قانون مسئولیت مدنی در مواد ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی حکم به جبران چنین زیان‌هایی داده است. در حوزه مسئولیت قراردادی نیز قانون‌گذار متعهد قرارداد را ملتزم به نتایج عرفی قرارداد دانسته است. بنابراین اگر زیان‌های تبعی ناشی از نقض قرارداد عرفاً و عقلاً منسوب به ناقض قرارداد باشد، ضرر مسلم به شمار می‌آید. خسارات ناشی از غیرممکن شدن اجرای قرارداد را نباید صرفاً محدود به جبران زیان‌های اصلی نمود. آنچه اهمیت دارد این است که در اثر تخلف متعهد، ضرری به متعهدله وارد آمده که عقلاً و عرفاً ضرر ناروا به شمار می‌آید و لزوم جبران ضرر ناروا از بدیهیات عقلی است.

از سوی دیگر شرط مستقیم بودن ضرر نیز یک ضابطه علمی دقیق نیست. دلیل این مدعا این است که قریب به اتفاق حقوق‌دانان ایران مستقیم بودن را به معنی وجود «رابطه سببیت عرفی بین ضرر وارده و فعل زیان‌بار» دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۸۶؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۹۱؛ حیاتی، ۱۳۹۲: ۸۹؛ باریکلو، ۱۳۹۶: ۸۹). حال آنکه اگر منظور از مستقیم بودن ضرر، رابطه سببیت عرفی باشد با وجود رکن سوم مسئولیت مدنی (رابطه سببیت)، تأکید بر مستقیم بودن ضرر بی‌فایده و تحصیل حاصل است. آنچه در متون فقهی مورد تأکید قرار گرفته نیز «سببیت» است (حسینی مراغی، ۲/۱۴۱۷: ۴۳۵) و مستقیم بودن، ضابطه‌ای است که از حقوق بیگانه به حقوق ما وارد شده است. در حقوق فرانسه نیز غالب حقوق‌دانان اعتقاد دارند مستقیم بودن تصویری از اصل کلی «رابطه سببیت و علیت» بین ضرر وارده و فعل زیان‌بار است (Le Tourneau, et Cadiet, 1998: n812). در حالی که در حقوق کامن‌لا شرط مستقیم بودن، نخستین بار به‌عنوان ضابطه‌ای مادی مطرح گردیده است (تنک، ۱۳۹۸: ۷۵). به همین جهت برای تبیین آن از اصطلاح «دوری زیان» استفاده شده است. به مرور در حقوق کامن‌لا اهمیت ضابطه مادی (مستقیم بودن) کاهش یافته و جای خود را به ضابطه ذهنی قابل‌پیش‌بینی بودن داده است. بنابراین نباید شرایط مذکور را در ردیف موانع اساسی جبران‌پذیری خسارات پیش از موعد آورد. آنچه در فقه و حقوق ایران دارای اهمیت ویژه است رابطه سببیت و انتساب ضرر به فاعل زیان است.

#### ۴. مبانی جبران‌پذیری خسارات تبعی ناشی از نقض پیش از موعد

با وجود اینکه اصولاً اثبات مسئولیت قراردادی سهل‌تر از مسئولیت غیرقراردادی است، در مقوله خسارات نقض پیش از موعد دشواری کار در اثبات رابطه قراردادی و توسعه مسئولیت به این‌گونه خسارات است. مهم‌ترین دشواری جبران ضرر غیرقراردادی نیز اثبات رابطه سببیت است. قبل از برشمردن مبانی جبران زیان‌های تبعی نقض قابل‌پیش‌بینی در حقوق ایران، ذکر این نکته ضروری

است که با توجه به تمایز ساختار مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی، اصولاً امکان توسل توأمان به هر دو مسئولیت غیرممکن است اما تحلیل مبانی آتی نشان خواهد داد که جبران این‌گونه خسارات از طریق هر یک از شیوه‌های فوق، قابل تأمل و شایسته اعتنا است.

#### ۱-۴. قاعده لاضرر

دفع ضرر محتمل به‌عنوان یک مستقل عقلی در فطرت بشر وجود دارد (محقق داماد، ۱۳۷۴: ۱۳۴). اگر از قراردادی احتمال وقوع زیان برود عقل حکم می‌کند که نباید تا فرارسیدن زیان به انتظار نشست؛ بلکه باید از وقوع زیان پیشگیری کرد. در فقه امامیه نیز دفع چنین ضرری مجاز شمرده شده است (شیخ انصاری، ۱۴۱۹: ۱۲۱). تعلیق اجرای قرارداد و اقدام به فسخ اقداماتی هستند که متعهدله می‌تواند برای دفع ضرر ناشی از نقض پیش از موعد قرارداد به آن‌ها متوسل شود (دیلمی، ۱۳۹۶: ۴۳). صاحب جواهر از بعضی فقهاء نقل کرده: «...هرگاه در عقد لازمی یکی از طرفین عملی منافی با حقی انجام دهد که طرف دیگر به سبب عقد مزبور کسب کرده، شارع مقدس بر اساس قاعده لاضرر برای طرف دیگر حق فسخ مقرر کرده است و عقد از جهت او قابل فسخ شده تا به این وسیله از او دفع ضرر شود» (نجفی، ۱۴۳۲/۲۷: ۸۰). برخی از فقهای معاصر نیز در صورت عدم انجام تعهد از سوی متعهد برای متعهدله حق فسخ قائل شده و گفته‌اند متعهدله می‌تواند به این طریق خود را از قید تعهدات قراردادی رها سازد. (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸/۲: ۱۷۲؛ خویی، بی‌تا/۵: ۶۳۴؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۴/۵: ۵۶۵) طبق این نظر فسخ قرارداد به علت عدم انجام تعهد، قاعده‌ایست که در موارد عدم انجام تعهد، اجرا می‌شود.

اجرای عدالت اقتضا دارد که اولاً متعهدله در حد توان خود با خسارات مقابله نموده و از گسترش آن‌ها جلوگیری نماید (شهباز قهفرخی، ۱۳۹۹: ۱۳۹). ثانیاً زیان‌های متعهدله پس از تحقق، جبران گردد. در اینکه به استناد قاعده لاضرر می‌توان از ورود ضرر و گسترش آن جلوگیری کرد تردیدی وجود ندارد. بحث اصلی این است که بتوان از مفاد قاعده لاضرر برای جبران ضررهای تبعی ناشی از نقض پیش از موعد استفاده نمود. مشهور فقها معتقدند منظور از قاعده لاضرر این است که در دین اسلام حکم ضرری وضع نشده است<sup>۱</sup> اما لزوم جبران ضرر به استناد این قاعده محل تردید است.

۱. درباره مفهوم قاعده لاضرر در فقه نظرات گوناگونی وجود دارد. این مفاهیم عبارتند از: نفی حکم ضرری (نائینی، ۱۴۱۸/۳: ۳۹۴) نفی حکم به لسان موضوع (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۸۱) نفی ضرر غیرمتدارک (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۳۲۴) و نفی به معنای نهی (موسوی خمینی، ۱۴۲۴/۳: ۴۶۷). آنچه مشهور بین فقهای امامیه است نظر اول است.

از سوی دیگر به نظر اکثر فقیهان منافی که متعهدله با اتکا و اعتماد به قرارداد انتظار تحصیل آن‌ها را دارد در ردیف عدم‌النفع قرار دارند و جبران‌پذیری آن‌ها واجد اشکال است. همچنین گفته شده ضرر ناشی از عدم‌النفع اساساً ضرر نیست<sup>۱</sup> و مال غیرموجودی که تنها احتمال تحقق آن در آینده می‌رود نمی‌تواند مبنای جبران زیان باشد. مضاف بر اینکه رابطه سببیت نیز بین عدم‌النفع و فعل زیان‌بار وجود ندارد. با این حال برخی از فقها مانند میرزای نائینی معتقدند عدم‌النفع چنانچه مقتضای وجودش فراهم باشد عرف آن را ضرر می‌داند<sup>۲</sup> (نائینی، ۳/۱۴۱۸: ۳۷۸). فقهای مشهوری من جمله میرفتاح مراغی و شیخ انصاری<sup>۳</sup> نیز از قابلیت جبران ضرر به استناد قاعده لاضرر دفاع نموده‌اند (شیخ انصاری، ۳/۱۴۱۵: ۱۹۰؛ محقق داماد، ۱۳۷۳: ۸۸). برخی از روایاتی که به‌عنوان مدرک قاعده لاضرر مورد استناد قرار گرفته نیز مبین آن است که عدم‌النفع می‌تواند مشمول عنوان ضرر باشد (محدث نوری، بی‌تا/۱۳: ۴۴۷).

واقعیت این است که محدود کردن کارکرد قاعده لاضرر به احکام و افعال وجودی صحیح نیست زیرا این ترتیب موجب می‌شود که شرع نسبت به جبران ضرر بی تفاوت بماند و بی تفاوتی شرع نیز مجوزی برای ورود خسارت به دیگران و بلاجبران ماندن ضرر است. مفهوم چنین برداشتی این است که بگوئیم شارع به تضرر بندگان راضی است در حالیکه این امر عقلاً محال است. مضاف بر اینکه در حدیث نبوی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» کلمه ضرر در حالت نکره به کار رفته و افاده عموم می‌کند (بهرامی احمدی، ۲/۱۳۹۰: ۱۹۹). بنابراین هر ضرری من جمله ضررهای تبعی ناشی از نقض پیش از موعد را می‌توان موضوع حکم روایت دانست. از سوی دیگر احکام تکلیفی بدون ضمانت اجرا فاقد کارکرد لازم هستند و عقل حکم می‌کند فلسفه وجودی احکام تکلیفی با احکام وضعی مناسب تأمین شود و جبران ضرر خصوصاً جبران کامل آن در راستای این هدف است. هرچند که چنین برداشتی از قاعده لاضرر در فقه مشاهده نمی‌شود و از عبارت فقهای که تدارک ضرر را به استناد قاعده لاضرر تجویز نموده‌اند جبران کامل زیان قابل استخراج نیست، لکن همان طور که گفته شد بی تفاوت ماندن نسبت به خساراتی که ناشی از فعل غیر است نیز با عقل و منطق سازگاری ندارد و به معنی بی تفاوتی شریعت است. لذا به نظر می‌رسد باید مفاد قاعده را با لحاظ نیازهای فعلی جامعه تفسیر و تحلیل نمود. یقیناً پویایی فقه تحمیل این زیان‌ها را به طرفی که پایبند به قرارداد است

۱. عدم‌النفع لیس بضرر

۲. «...بل يعد عرفاً عدم‌النفع بعد تمامية المقتضي له من الضرر...»

۳. وی در چند موضع از قاعده لاضرر برای جبران ضرر استفاده نموده است (شیخ انصاری، ۳/۱۴۱۵: ۱۹۰).

بر نمی‌تابد و آن را منطبق با عدالت و انصاف نمی‌داند. بنابراین در این راه باید با کسانی هم عقیده شد که مفاد قاعده لاضرر را با توجه به مقتضیات جامعه تبیین و تفسیر می‌نمایند. نتیجه اینکه هر ضرری من جمله ضررهای تبعی ناشی از نقض پیش از موعد را می‌توان موضوع حکم روایت دانست. از سوی دیگر مفاد روایت دلالتی بر قابل جبران نبودن خسارات ناشی از محروم ماندن از منافع ندارد.

#### ۲-۴. نظریه انتساب<sup>۱</sup>

یکی از نظریات مهم در پی یافتن فلسفه مسئولیت مدنی، «نظریه قابلیت انتساب» است. بر مبنای این نظریه علت ایجاد مسئولیت مدنی انتساب زیان به عامل آن است. یعنی باید به این نکته توجه داشت که در نظر عرف تحقق ضرر به عامل زیان‌بار منسوب است یا خیر. ترجیح این معیار برای تشخیص قابلیت انتساب به جهت انعطاف و هماهنگی آن با نیازهای زندگی اجتماعی است. از سوی دیگر مفهوم ضرر چنان‌که دیدیم یک مفهوم عرفی است (دیلمی، ۱۳۹۶: ۴۴). فقها نیز در مواضع مختلف به لزوم احراز این ضابطه تأکید نموده‌اند (حسینی مراغی، ۱۳۹۷: ۳/۴۳۵؛ بجنوردی، ۱۳۸۵: ۲/۴۵؛ آل کاشف الغطاء، بی‌تا/۳: ۱۴۱). در نقض پیش از موعد قرارداد نیز اگر ناقض قرارداد با عملکرد خود موجب شود که متعهدله از کسب منافع معقول و متعارفی که در سیر طبیعی امور امکان حصول آن‌ها وجود دارد محروم شود، چنین زیانی را عرف منتسب به متعهد می‌داند.

اعمال نظریه انتساب علاوه بر اینکه عدالت نزدیک است می‌تواند باعث جبران خسارات بیشتری از زیان‌دیده گردد. آنچه مهم است نقش فاعل در ایجاد ضرر است. نظریات جدید در حقوق مسئولیت مدنی تمایل به نظریه قابلیت انتساب را نشان می‌دهد. در فقه امامیه نیز در مواضع مختلف به این مبنا توجه شده است (نجفی، ۱۳۳۲/۳۷: ۵۵؛ نایینی، ۱۳۹۸: ۱/۲۹۵؛ حسینی مراغی، ۱۳۹۷: ۲/۴۳۶).

انتساب زیان به فاعل این قابلیت را دارد که هر گونه خسارت اعم از قراردادی و غیرقراردادی را قابل جبران بدانیم. مسئولیت ناقض قرارداد در جبران خسارات تبعی به استناد انتساب دارای پوشش کامل است زیرا در نظریه انتساب حتی خساراتی که ناشی از تقصیر نیستند قابلیت جبران دارند، چون در انتساب آنچه اهمیت دارد ناروایی زیان است (انصاری و مبین، ۱۳۹۰: ۱۲۰۶). لذا به نظر می‌رسد نظریه انتساب یکی از مهم‌ترین مبانی توجیه‌کننده زیان‌های تبعی ناشی از نقض پیش از موعد است.

۱. قاعده *novus actus interveniens* همانند نظریه انتساب در حقوق ایران است. در حقوق انگلیس ممکن است به علت وجود یک سبب حائل *Intervening causes* ضرر وارده به تقصیر خوانده قابل انتساب نباشد.

مثلاً تنها شرکت تولیدکننده آهن در مقابل یک شرکت ساختمانی که در حال احداث یک پروژه ساختمانی است، تأمین آهن پروژه را تا مدت ۶ ماه به‌عهده می‌گیرد. یک ماه پس از شروع انجام تعهد به‌دلیل سوء مدیریت، شرکت تولیدکننده آهن تعطیل شده و اجرای تعهد عملاً تا پایان قرارداد ناممکن می‌گردد. شرکت ساختمانی نیز ناگزیر در انجام تعهدات خود در مقابل خریداران دچار مشکل شده و در تحویل واحدها تأخیر می‌کند. در این فرض خسارات ناشی از تأخیر شرکت ساختمانی در مقابل خریداران عرفاً ناشی از نقض پیش از موعد قرارداد است که قابل‌انتساب به شرکت تولیدکننده آهن است.

### ۳-۴. مقابله‌به‌مثل

در فقه برای جبران عدم‌النفع به آیات «فمن اعتدى عليك فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم» و «جزاء سيئه سيئه مثلها» استناد شده است (حسینی عاملی، ۱۸/۱۴۱۸: ۴۷؛ محقق داماد، ۱۳۷۳: ۸۷؛ اردبیلی، ۱۰/۱۴۰۳: ۳۱۵). از آنجا که متعهده معمولاً با اعتماد متعارف به طرف قرارداد متحمل هزینه‌های جنبی می‌گردد در صورت نقض پیش از موعد قرارداد او دچار ضرر مضاعف خواهد شد و قاعده جواز مقابله‌به‌مثل می‌تواند در اینجا راهگشا باشد. زیرا با نقض عهد، هزینه‌ها و زیان‌هایی که خواهان با اتکا به اجرای قرارداد متحمل شده بدون دلیل در دست طرف دیگر باقی می‌ماند (جعفری لنگرودی، ۴/۱۳۹۱: ۱۴). در حالی که سبب این امر نقض عهد خوانده بوده است و قاعده جواز مقابله‌به‌مثل می‌تواند از بروز این ضرر ناعادلانه جلوگیری کند. البته باید توجه داشت که برای جبران زیان‌های ناشی از اعتماد و اتکا به قرارداد هنگامی می‌توان به قاعده مقابله‌به‌مثل استناد نمود که هزینه‌های به‌عمل آمده از سوی خواهان به نوعی موجبات نفع متعهد را فراهم آورده و متعهده را مغبون نموده باشد. زیرا تلف کردن اموال، منافع و حقوق دیگران از مصادیق تعدی است و مطابق قاعده یادشده کسی که از تخلف طرف قرارداد متحمل خسارت گردیده می‌تواند به میزانی که اموالش مورد تضییع قرار گرفته از متعهد مطالبه نماید.

شکی نیست که اتلاف مال غیر بدون اجازه صاحب مال مصداق تعدی و تجاوز است (یوسفی، ۱۳۹۷: ۳۵). اما آیا می‌توان به استناد این آیات اولاً به متعهد اجازه داد که او قرارداد را پایان یافته تلقی کند و ثانیاً زیان‌های ناشی از نقض را از متعهد مطالبه کند؟ در آیه ۵۸ سوره انفال آمده است: «وَإِذَا تَخَافُ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ / چنانچه از خیانت قومی (از معاهدین خود) می‌ترسی در این صورت تو نیز با حفظ عدل و درستی، عهد آن‌ها را نقض کن، که خدا خیانتکاران را دوست نمی‌دارد». به دلالت این آیه پایان دادن به قرارداد با مفاد قاعده مقابله‌به‌مثل منافاتی ندارد. اما مشکل آنجاست که فقها معتقدند آیه مذکور صرفاً ناظر بر حکم

تکلیفی است و دلالتی بر حکم وضعی ندارد. به عبارت دیگر مفهوم قسمت اخیر آیه صرفاً تقاص و مقابله به مثل است نه جبران ضرر (انصاری، ۱۴۱۵/۶: ۳۱۴). اما برخی دیگر از فقها استدلال نموده‌اند اینکه صرفاً مفاد آیه را مجوزی برای تقاص بدانیم صحیح نیست. بلکه اجازه شارع به مقابله به مثل را باید به معنای ضمان گرفت<sup>۱</sup> (موسوی خمینی، ۱۴۱۰/۱: ۳۲۵). در تأیید این نظر گفته شده تجویز اخذ مثل، به معنای ضمان است (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۱۱۰؛ لنگرودی، ۱۳۹۱/۴: ۱۴). برخی از فقها نیز اعتقاد دارند حکم به گرفتن مثل یا قیمت آنچه به آن تعدی شده است عرفاً کشف می‌کند که گیرنده مثل یا قیمت، نسبت به آن دارای حق بوده است. بنابراین پرداختن مثل یا قیمت، مجانی و بدون عوض نیست بلکه تقاص چیزی است که ذمه متعدی به آن مشغول است (موسوی خمینی، ۱۴۱۰/۱: ۳۲۵). همچنین برخی از فقها مانند مقدس اردبیلی و سید بحر العلوم نیز به دلالت آیات یاد شده حکم به ضمان حبس‌کننده شخص صنعت‌گر داده‌اند (حسینی عاملی، ۱۸/۱۴۱۸: ۴۷؛ محقق داماد، ۱۳۷۳: ۸۷؛ اردبیلی، ۱۴۰۳/۱۰: ۳۵). بنابراین فقه ما با جبران خسارات تبعی، غیرمستقیم و عدم‌النتفع به استناد قاعده فوق چندان هم بیگانه نیست.

#### ۴-۴. بنای عقلا<sup>۲</sup>

اصل جبران ضرر دارای پشتوانه عقلی است و همین پشتوانه عقلی است که جبران‌پذیری تمام اقسام ضرر را توجیه‌پذیر می‌سازد. (محقق داماد، ۱۳۷۳/۱: ۱۳۴؛ کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۵۶؛ غفاری فارسانی، ۱۳۸۸: ۲۳۶) بنابراین اگر متعهد با اقدامات خود وضعیتی را به وجود آورد که پیش از موعد مقرر، قرارداد خاتمه‌یافته تلقی شود، متعهدله عاقل و محتاط به منظور تقلیل خسارات<sup>۳</sup> وارده به خود تا موعد اجرا منتظر نخواهد ماند. در قوانین ایران هم نمونه‌هایی از تأثیر این قاعده وجود دارد<sup>۴</sup> (صفایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۶۲).

هرچند جبران‌پذیری تمامی ضررهای تبعی به حکم عقل امری محال و غیرممکن است. لیکن سیره عملی خردمندان نشان می‌دهد که ایشان این قبیل ضررها را به طور مطلق نفی نمی‌نمایند. همین منطق عقلی می‌تواند جبران زیان‌های تبعی که رابطه عرفی با حادثه زیان‌بار دارند را توجیه نماید. در حقوق

۱. «... فیستفاد من إجازة الأخذ بالمثل والقيمة أن الاعتداء موجب للضمان، ولا يكون محرماً صرفاً...»

۲. منظور از بنای عقلا، استمرار روش و عمل قاطبه عقلا در گفتار، رفتار و سایر روابط اجتماعی ایشان بدون در نظر گرفتن قومیت، مذهب و سایر امور از این دست است (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸/۱: ۳۸۲).

3. Mitigation of Damages

۴. مواد ۲۱۸ مکرر، ۳۷۷ و ۳۸۰ قانون مدنی، مواد ۲۳۷، ۲۳۸ و ۵۳۳ قانون تجارت و ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی

(کاتوزیان، ۴/۱۳۸۳: ۲۴۶؛ نقیبی و زارچی‌پور، ۱۳: ۱۳۹۷) و فقه (حسینی مراغی، ۱/۱۴۱۷: ۳۱۲؛ سیستانی، ۱۴۱۴: ۲۹۰؛ موسوی بجنوردی، ۴/۱۴۱۹: ۱۸۱؛ موسوی خمینی، ۱/۱۴۱۰: ۳۲۳) برای جبران ضرر مورد انتظار به بنای عقلا استناد شده است. معمولاً گفته می‌شود در پذیرش مبنای عقلی، عدم ردع کافی است و نیازی به تأیید شارع وجود ندارد (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷: ۶۱؛ اصغری، ۱۳۸۴: ۳۹). بنابراین چنانچه جبران ضرر مورد نهی شارع قرار نگرفته باشد با جمع بودن سایر شرایط مسئولیت مدنی و بنا بر اصل اباحه می‌توان به‌طور استثنایی حکم به جبران این ضررها داد. در عرف و عادت تجاری نیز برای طرفی که به‌طور متعارف و معقول می‌داند که قرارداد اجرا نخواهد شد حق تعلیق و فسخ قرارداد به رسمیت شناخته شده است.<sup>۱</sup> یعنی عرف تجاری اقتضا دارد که به متعهدله اختیار داده شود تا با آینده‌نگری قبل از تحقق ضرر آن را دفع نماید (Feldhausen, March 2020؛ غفاری فارسانی، ۱۳۸۸: ۲۵۲).

#### ۴-۵. اصل حاکمیت اراده

بر مبنای این اصل طرفین عقد آزادند هر تعهدی را که بخواهند در مقابل یکدیگر پایه‌ریزی کنند و هر کسی که دارای اهلیت<sup>۲</sup> است می‌تواند آزادانه هر تعهدی را بپذیرد. کسی نمی‌تواند در ایجاد مسئولیت یا تعهد، دیگری را محدود کند. به همین جهت است که گفته شده قدرت الزام‌آور تعهد اراده طرفین است (Lavowbiere, 1862: 23). این اصل مشتمل بر دو امر اساسی است. اول اینکه اراده آزاد منبع تعهدات و نظم حقوقی است. دوم؛ اراده هم منبع تعهد هم منبع آثار آن است<sup>۳</sup> (سنهوری، ۱/۱۳۸۲: ۵۹).

امروزه افراد می‌توانند آزادانه و به دلخواه هر پیمانی را با یکدیگر منعقد نموده و حدود تعهدات و آثار آن را تعیین کنند. نتایج عهدشکنی بر مبنای این اصل قابل‌پیش‌بینی است. به همین جهت می‌توان گفت جبران زیان‌هایی که به علت نقض پیش از موعد از دست رفته است اثر خواست طرفین در هنگام انعقاد عقد است. عدالت معاوضی نیز اقتضا دارد چنین زیان‌هایی بلاجبران نماند (غفاری فارسانی، ۱۳۸۸: ۲۳۹). در حقیقت متعاملین در زمان انعقاد عقد به حصول منافع گوناگونی نظر دارند، این منافع علاوه بر منافع اصلی شامل منافع تبعی و غیرمستقیم مانند منفعت اعاده، منفعت انتظار و منفعت اعتماد را نیز شامل شود. دلیل این مدعا آن است که اصولاً در هنگام انعقاد قرارداد،

1. Theory of specific performance

2. Capacity

۳. اصل حاکمیت اراده ریشه در عقاید کانت دارد. کانت معتقد بود «هر آنچه که قراردادی است عادلانه است». فلاسفه قرن هجدهم اراده را منبع تمامی حقوق می‌دانستند (Ghestin, 1993: n39).



طرفین با حسن نیت و اعتماد به اینکه طرف مقابل به تمامی آثار و تبعات قرارداد پایبند است مبادرت به انعقاد قرارداد می‌کنند. به عبارت دیگر در هر قراردادی این شرط ضمنی وجود دارد که طرفین علاوه بر پایبندی به مفاد قرارداد باید هر گونه تبعات منطقی و عرفی ناشی از تخلف خود را پذیرا باشند. قانون‌گذار ایران در مواد ۲۲۰ و ۲۲۱ قانون مدنی به این مهم تأکید نموده است. بنابراین جبران خسارات تبعی ناشی از نقض پیش از موعد را باید ناشی از احترام طرفین به حاکمیت اراده آنان دانست. قرارداد می‌تواند هر گونه منفعت از کف‌رفته طرفین را پوشش دهد مشروط بر اینکه این ترتیب در قلمرو تراضی طرفین آمده باشد (رنجبر، ۱۳۹۵: ۱۰۷). اما اشکالی که این مبنا در عمل با آن مواجه می‌گردد این است که به دشواری می‌توان پذیرفت که طرفین تمامی خساراتی که از نقض عهد ناشی می‌شود را پیش‌بینی کنند (غفاری فارسانی، ۱۳۸۸: ۲۵۱). چه اینکه جبران خسارات من جمله ضررهای غیرمستقیم با توسل به اصل حاکمیت اراده مستلزم آن است که طرفین با علم و آگاهی از احتمال وقوع چنین ضررهایی اقدام به انعقاد قرارداد نموده باشند (غمامی، ۱۳۸۳: ۸۳؛ Gilbey, 1389: 480). بنابراین در استناد به حاکمیت اراده باید جانب اعتدال را در پیش گرفته و از زیاده‌روی پرهیز کرد (سنهوری، ۱/۱۳۸۲: ۶۳). شکی نیست که حاکمیت اراده به معنای فلسفی آن کمی مبالغه‌آمیز به نظر می‌آید و امروزه باید حقوق را قدرت بالاتری نسبت به اراده طرفین دانست؛ لیکن نباید از این نکته هم غافل شد که حقوق به جهت اهمیت و اعتباری که برای حکومت اراده قائل است، برای پیمان خصوصی بین افراد نیز احترام و ارزش قائل می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۱۱). مضاف بر اینکه نظم اجتماعی اقتضا دارد که عهدشکنی متعهد بی پاسخ نماند (Gilbey, 1389: 480; Corbin, 1952: 945). قانون مدنی نیز جبران خسارات عرفی را تجویز نموده و علاوه بر نتایج حاصله از موارد مصرح در قرارداد، متعاملین را ملزم به جبران نتایج غیرمصرح نیز می‌داند.<sup>۱</sup> بنابراین بی‌مناسبت نخواهد بود اگر التزام به جبران زیان‌های ناشی از نقض پیش از موعد را در قالب شرط ضمنی یا شرط بنایی دو طرف نیز تعبیر و تفسیر نماییم (Smith, 1993: 203; Schlechtriem, 1998: 59-62؛ صفایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۵۶؛ دیلمی، ۱۳۹۶: ۴۱).

امروزه تغییرات مداوم شاخص‌های اقتصادی باعث شده است که متعاملین بر روی بندهای قرارداد حساب ویژه‌ای باز کنند و برای کوچک‌ترین تخلف طرف مقابل، خود را مستحق دریافت خسارت بدانند. بنابراین عجیب نخواهد بود اگر به این نظر قائل شویم که متعاملین با علم به اینکه تخلف

۱. ماده ۲۲۰ قانون مدنی: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل میشود ملزم می‌باشند.»

آن‌ها دارای تبعات گسترده‌ای خواهد بود به انعقاد معامله مبادرت می‌ورزند؛ هرچند که این تبعات صراحتاً در متن قرارداد نیامده باشد. از سوی دیگر نمی‌توان حقوق متعهدله را منحصر در نقض پیش از موعد قرارداد دانست چه اینکه اعتماد متعارف و اتکای او به طرف مقابل باعث گردیده در رسیدن به نتایجی که در سر می‌پرورانده ناکام بماند. با اعمال این قاعده خواهان به منافی که از اجرای قرارداد انتظار داشته دست خواهد یافت (Eisenberg, 2006: 979). شکی نیست که قراردادن زیان‌دیده در وضعیت اجرای قرارداد، هدف اصلی از جبران خسارت است (Garner, 2004: 431; Pearce & Halson, 2008: 74). در حقوق انگلستان بر مبنای یک قاعده مهم «زیان‌دیده می‌تواند در برخی شرایط خاص به جای مطالبه خسارت متوقع، خواستار جبران خسارت اتکایی شود» (راف، ۱۳۹۰: ۲۴۷). این نظریه بر این مبنا استوار است که متعاقدين با اتکا و اعتماد به تعهدات قراردادی طرف مقابل مبادرت به امضای قرارداد نموده‌اند، بنابراین قرارداد باید آن‌ها را بر مبنای این اعتماد، مورد حمایت قرار دهد (امینی و پیری، ۱۴۰۰: ۱۵۵).

#### نتیجه

اصل جبران کامل خسارات زیان‌دیده که در بسیاری از کشورها پذیرفته شده، برخاسته از روح عدالت و انصاف است. به همین جهت این کشورها پذیرفته‌اند که اگر اوضاع و احوال نشان دهد شخص متعهد به طور معمول و متعارف قادر به انجام تعهداتش نیست و عدم انجام قرارداد قبل از موعد مقرر منجر به از دست رفتن منافی خواهد شد که در سیر طبیعی و روال متعارف امور قابلیت تحقق دارند، جبران این خسارات به عهده ناقض قرارداد است. با وجود اینکه مقررات کنونی کشور ایران صراحتاً جبران خسارات تبعی ناشی از نقض پیش از موعد قرارداد را تجویز نکرده است اما نیازی به تسری قواعد حقوق کامن‌لا نیز احساس نمی‌گردد. چه اینکه قواعد فقهی و اصول حقوقی پذیرفته شده سیستم حقوقی ایران جبران این گونه زیان‌ها را ناممکن نمی‌داند. در حقوق ایران شرط اساسی برای جبران چنین زیان‌هایی وجود رابطه سببیت عرفی و انتساب آن به فعل زیان‌بار است. در صورت اثبات چنین شرطی می‌توان گفت که وقوع زیان برای شخص متعهد قابل پیش‌بینی بوده است. از سوی دیگر اصل حاکمیت اراده و شرط ضمنی و ارتکازی طرفین مبنای مناسبی برای جبران زیان‌های تبعی ناشی از نقض پیش از موعد قرارداد هستند. علاوه بر این متعهد قرارداد باید همانند یک معامل‌معقول و متعارف رفتار نموده و حداکثر توان خویش را برای اجرای قرارداد به کار گیرد. حقوق ایران با این نظر بیگانه نیست و می‌توان از ظرفیت مواد ۲۲۰ و ۲۲۱ قانون مدنی برای این منظور کمک گرفت. عمومات «المومنون عند شروطهم» و «اوفوا بالعقود» این نظر را تقویت می‌کند. شایسته است پژوهشگران آتی نیز قواعد فقهی، حقوقی و نصوص قانونی را به‌نحوی به کار

گیرند که زیان‌های متعهدله به‌نحو کامل‌تری جبران گردد و تا حد امکان زیان‌دیده در وضعیت اجرای قرارداد قرار گیرد. توسعه بیمه مسئولیت به زیان‌های تبعی پیش از موعد یکی از راه‌هایی است که می‌تواند از تحمیل هزینه‌های پیش‌بینی نشده و احتمالی به ناقض قرارداد جلوگیری نموده و خسارات زیان‌دیده را پوشش دهد. لیکن این مقدار، کافی نیست. رویه قضایی باید با توسل به مبانی موجود در فقه و حقوق نسبت به جبران زیان‌های تبعی حساسیت به خرج دهد تا خسارات معقول و متعارف زیان‌دیده، جبران نشده باقی نماند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

### فارسی

- اصغری، سیدمحمد (۱۳۸۴)، «بناء عقلا»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰.
- امینی، منصور، همایون مافی و حسین اعظمی چهاربرخ (۱۳۹۰)، «بررسی حق فسخ ناشی از پیش‌بینی نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، مجله مطالعات حقوقی، دوره سوم، شماره ۱.
- امینی، منصور و جواد پیری (۱۴۰۰)، «ضابطه ارزیابی خسارات ناشی از نقض تعهد قراردادی در نظام‌های حقوقی و اسناد بین‌المللی؛ رهنمودهایی برای حقوق ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴.
- انصاری، علی و فرهاد بیات (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی نقض قابل‌پیش‌بینی قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و نظام‌های حقوق ملی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۰.
- انصاری، علی و حجت مبین (۱۳۹۰)، «نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسئولیت مدنی مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۹۱، پای ۷۱.
- انصاری، مسعود و محمدعلی طاهری (۱۳۸۸)، دانشنامه حقوق خصوصی، ج سوم، تهران: جنگل-جاودانه.
- بادینی، حسن، و دیگران (۱۳۹۶)، خسارت تبعی در بیع بین‌المللی کالا، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۹.
- باریکلو، علی رضا (۱۳۹۶)، مسئولیت مدنی، تهران: میزان.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۰)، قواعد فقه، چاپ دوم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۱)، الفارق، ج ۴، تهران: گنج دانش.
- حیاتی، علی عباس (۱۳۹۲)، حقوق مدنی (مسئولیت مدنی)، تهران: میزان.
- دیلمی، احمد (۱۳۹۶)، «نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد و منطق حل معضل ناشی از آن در فقه امامیه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره بیست و یکم، شماره ۱.
- راف، آنه (۱۳۹۰)، قواعد حقوق قرارداد انگلستان از دید رویه قضایی، ترجمه سیدمحمد موسوی، تهران: میزان.
- رنجبر، مسعودرضا (۱۳۹۵)، تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد، چاپ ۳، تهران: میزان.
- سنهوری، عبدالرزاق (۱۳۸۲)، الوسیط فی شرح القانون المدنی جدید (دوره حقوق تعهدات)، ترجمه: محمدحسین دانش‌کیا و سیدمهدی دادمرزی، جلد اول، چاپ اول، قم: دانشگاه قم.
- شهباز قهفرخی، سجاد (۱۳۹۹)، «تبیین و نقد نظریه تعامل متقارن در تعیین میزان تقصیر زیان‌دیده و خواننده دعوا در مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۴، شماره ۱۱۱.
- صفایی، سیدحسین و جعفر عسگری (۱۳۹۳)، «نقض قابل‌پیش‌بینی قرارداد در فقه و حقوق ایران با نگاهی به نظام «کامن‌لا» و کنوانسیون وین»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۴۰.
- صفایی، سیدحسین و دیگران (۱۳۹۲)، حقوق بیع بین‌المللی کالا، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صفایی، سیدحسین، و جعفر عسگری (۱۳۹۴)، «ماهیت و مبانی نظریه نقض قابل‌پیش‌بینی در فقه و حقوق ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۰.

- صفایی، سیدحسین و حبیب‌الله رحیمی (۱۳۹۷)، مسئولیت مدنی تطبیقی، تهران: شهر دانش.
- طالب احمدی، حبیب و عباس کاظمی نجف آبادی (۱۳۹۴)، «ضمانت اجرای احتمال نقض قرارداد در حقوق ایران و نظام حقوقی عرفی»، مجله مطالعات حقوقی، دوره هفتم، شماره ۴.
- غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۸۸)، «اثر نقض قابل‌پیش‌بینی بر روابط قراردادی»، مجله مطالعات حقوق خصوصی، سال سی و نهم، شماره ۲.
- غمامی، مجید (۱۳۸۳)، قابلیت پیش‌بینی ضرر در مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۳، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، تهران: دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاظمی نجف آبادی، عباس (۱۳۸۸)، «تاریخچه شکل‌گیری قاعده نقض قابل‌پیش‌بینی در رویه قضایی کامن‌لا و ورود آن به مقررات داخلی و بین‌المللی»، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۴۶ و ۴۷.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۴)، قواعد فقه ۲ (بخش مدنی)، تهران: انتشارات سمت.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۳)، قواعد فقه ۱ (بخش مدنی)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسن (۱۴۲۷)، دیدگاه‌های نو در حقوق، تهران: میزان.
- نقیبی، سیدابوالقاسم و روح اله زارچی پور (۱۳۹۷)، «نظریه جبران خسارت عدم النفع محقق الحصول در فقه امامیه»، فصلنامه جستارهای فقهی و اصولی، سال چهارم، شماره یازدهم.
- یوسفی، علی (۱۳۹۷)، اصل جبران کامل خسارت در حقوق مسئولیت مدنی، چ اول، تهران: جنگل جاودانه.

### عربی

- آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۴۰۹ق)، کفایة الأصول، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح الارشاد الاذهان، جلد ۱، قم: دفتر نشر اسلامی.
- آل کاشف الغطا، شیخ محمد حسین (بی‌تا)، تحریر المجله، بی‌جا: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵ق)، کتاب مکاسب، قم: کنگره بزرگداشت شیخ انصاری.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۹ق)، فرائد الاصول (الرسائل)، جلد ۲، تحقیق و إعداد: لجنة تحقیق تراث الشیخ الأعظم، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- حسینی عاملی، محمدجواد (۱۴۱۸ق)، مفتاح الکرامه، چاپ اول، ج ۱۴، بیروت: دارالتراث.
- حسینی مراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷ق)، عناوین الفقهیه، ج ۱ و ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- خویی، سیدابوالقاسم (بی‌تا)، مصباح الفقاهه، تقریر: الشیخ محمدعلی التوحیدی، ج ۵، بی‌جا.
- سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۴ق)، قاعدة لاضرر و لاضرار، چ اول، قم: دفتر آية الله سیستانی.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۷۸)، حاشیه مکاسب، ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محدث نوری طبرسی، شیخ حسین (بی‌تا)، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.

- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقیه، قم: نشر الهادی.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۵)، قواعد فقهیه، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۱۰ق)، کتاب البیع، ج چهارم، قم: مطبعة مؤسسة اسماعیلیان.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۴)، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۴ق)، تهذیب الأصول، تقریرات شیخ جعفر سبحانی، ج اول، قم: مطبعة مؤسسة العروج.
- نائینی، میرزا حسن (۱۴۱۸ق)، منیه الطالب، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۳۲ق)، جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت: دارالکتب الاسلامی.

### انگلیسی

- Carter, J. W (1991), **Breach of Contract**, Sydney: The Law Book Company Limited, ed. 2<sup>th</sup>.
- Corbin. Arthur Linton (1952), **Corbin on contract**, west publishing company, one volume edition, United States.
- Coulthard, Will & Partner Rebecca Cifelli (2017), **Consequential Loss: do you know what you are excluding?** Last visited on Accessed 2020.11.15 <[www.jws.com.au/en/insights/articles/2017-articles/consequential-loss-do-you-know-what-you-are-exclud](http://www.jws.com.au/en/insights/articles/2017-articles/consequential-loss-do-you-know-what-you-are-exclud)>.
- Eisenberg, Melvin A (2006). **The Disgorgement Interest in Contract Law**, scholarship law.
- Feldhausen, Timothy J (2020). **Anticipatory Breach of Contracts May Become More Common in a Time of Uncertainty**, Last visited on Accessed 2020.11.15 <<https://www.natlawreview.com/article/anticipatory-breach-contracts-may-become-more-common-time-uncertainty>>.
- Friedmann, Daniel (2001), A Comment on Fuller and Perdue; The Reliance Interest in Contract Damage, Issues in Legal Scholarship.
- Garner, Bryan A (2004), **Black's Dictionary of Law**, 8 edn., New York, West Group.
- Ghestin, Jacques (1993), **Traité de droit civil: La formation du contrat**, Volumes 1-2: Les obligations, Paris: Librairie générale de droit et de jurisprudence.
- Gilbey Strub, M (1989), **Anticipatory repudiation provisions & developing countries**, international & comparative law quarterly, vol.38.
- Honnold, John O (1999), Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention, The Hague: Kluwer Law International, ed. 3<sup>th</sup>.
- Larombière, Léobon (1862), **Théorie et pratique des obligations**, ou commentaire des titres III & IV, livre III du Code Napoléon, Art. 1101 à 1386, T: 1, Bruxelles: Durand.
- Le Tourneau, Philippe et Cadet, Loic (1998), **Droit de la responsabilité**, Dalloz Action.
- Pearce, David & Halson, Roger (2008), **Damages for Breach of Contract: Compensation, Restitution and Vindication**, Oxford Journal of Legal Studies 28. <<https://philpapers.org/rec/PEADFB>>.
- Schlechtriem, Peter (1998), **Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods**, Translated by G. Thomas, London, Oxford University Press.

- Siegenthaler, Thomas & Griffiths, Joseph (2003), **Indirect and Consequential Loss Clauses Under Swiss Law**, ilaw.
- Smith, J. C (1993), **The law of contract**, sweet & Maxwell, second edition, London.
- Squillante, Alphonse M (1973), Anticipatory repudiation and retraction.
- Stone, Richard (2002), **The Modern Law of Contract**, 6th ed Covendish Publishing.
- Treitel, G. H (1984), **The Law of Contract**, Sweet & Maxwell.
- Tweeddale, Andrew (2017), last visited on 3March2019, <[www.corbett.co.uk/all-damage-is-in-a-sense-consequential-so-what-in-law-are-consequential-losses](http://www.corbett.co.uk/all-damage-is-in-a-sense-consequential-so-what-in-law-are-consequential-losses)>.

